

بررسی رابطه کودک آزاری والدین و ویژگی های شخصیتی با الگوی مجرمانه شرارت و رفتار جنایی در بین زندانیان شهر کرمانشاه

حجت اله طهماسبیان* - جواد جعفری** - دکتر بهمن روشنی*** - دکتر سیروس چقازردی**** - سید علی حسینی***** - نادیا امجدیان*****

* کارشناس ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
** استادیار جرم شناسی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
*** استادیار، متخصص بیهوشی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه
**** پزشک، سازمان بهزیستی استان کرمانشاه
***** کارشناس آمار زیستی
***** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق

چکیده

زمینه و هدف: رفتار جنایی که با جرم و بزه مترادف است، یک کنش ارادی محسوب می شود و به این دلیل از شخص سر می زند که خود را در موقعیت مفروض مجاز به ارتکاب آن می داند؛ رفتاری که با ارزش ها و هنجارهای متداول جامعه مغایرت دارد. شخصیت، به عنوان یک متغیر روان شناسی که تمامی رفتارهای انسان را در عرصه زندگی شخصیتی و اجتماعی تحت تاثیر قرار می دهد، گاهی می تواند در اثر صفات ناسازگارانه، فرد و اطرافیان را با مشکل جدی مواجه سازد. از بین اختلالات شخصیت، شخصیت ضداجتماعی بیشتر از سایر اختلالات مورد مطالعه قرار گرفته و به صورت یک الگوی تکرارشونده و مداوم رفتارهای مجرمانه، ضداجتماعی یا جنایی است که در کودکی یا اوایل نوجوانی شروع می شود و تمام جنبه های زندگی فرد را در بر می گیرد. این مطالعه با هدف بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و کودک آزاری والدین با الگوی مجرمانه شرارت و رفتار جنایی در بین زندانیان انجام گردید. همچنین نقش عوامل اجتماعی و محیطی در بروز رفتارهای مجرمانه نیز مورد بررسی قرار گرفت.

روش بررسی: روش این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه مجرمین، دارای رفتارهای جنایی، دستگیر شده در زندان های شهر کرمانشاه در طول سال ۱۳۹۰ بوده که با نمونه گیری تصادفی ساده، ۵۹ نفر از آن ها انتخاب و آزمون شخصیت آیزنک EPQ، مقیاس شخصیتی SCID-II و همچنین مقیاس کودک آزاری سنجش تاکتیک های کشمکش بین والد و کودک در مورد آن ها اجرا گردید. تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش توسط نرم افزار SPSS-18 و روش آماری مورد استفاده همبستگی پیرسون و رگرسیون پیش بینی می باشد.

یافته ها: براساس یافته های حاصل از این پژوهش، مردان (۱۰۰٪) مجرمان این پژوهش را تشکیل می دادند. ۹۳/۲٪ دارای تحصیلات زیر متوسطه، ۷۴/۶٪ متاهل و از نظر اقتصادی ۵۶/۶٪ زیر متوسط یعنی ضعیف بودند. طبق نتایج حاصله، رابطه بین کودک آزاری با شخصیت ضداجتماعی یک رابطه معنادار بوده و نیز کودک آزاری می تواند شخصیت ضداجتماعی را پیش بینی کند. همچنین بین تیپ های شخصیتی EPQ با شخصیت ضداجتماعی، رابطه معناداری برقرار بوده است.

بحث و نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می توان گفت که روابط معیوب و نامطلوب خانواده، به کارگیری شیوه های نادرست تربیتی مانند طرد و عدم مراقبت و مواظبت صحیح، ضرب و شتم، محرومیت از مهر و محبت، کودک آزاری و خشونت علیه فرزندان باعث احساس ناامنی و اضطراب، خودپنداره منفی و کینه توزی نسبت به دیگران و انجام رفتارهای بزهکارانه می شود؛ به همین دلیل، به رفتار و اعمال ضداجتماعی و در نهایت ارتکاب به جرم اقدام می کنند. لذا، باید به تجربه های منفی دوران کودکی و ارتباط آن با رفتارهای ضداجتماعی و جرم در بزرگسالی دقت شود. فقر علمی و مالی نیز می تواند یکی از موثرترین عوامل در بروز جرم باشد. طبق نتایج به دست آمده، شخصیت نیز یک عامل اصلی در بروز رفتار جنایی می باشد و نقش تعیین کننده در ایجاد جرم و جنایت دارد.

واژه گان کلیدی: شخصیت، کودک آزاری، الگو، مجرم، شرارت، زندان

مقدمه

رفتار جنایی که با جرم و بزه مترادف است، یک کنش ارادی محسوب می‌شود و به این دلیل از شخص سر می‌زند که خود را در موقعیت مفروض مجاز به ارتکاب آن می‌داند؛ رفتاری که با ارزش‌ها و هنجارهای متداول جامعه مغایرت دارد (۱). قرآن کریم در آیه ۸۴ سوره اسری عمل انسان را مبتنی بر چیزی می‌داند که آن را شاکله می‌نامند؛ به عبارت دیگر، اعمال انسان‌ها، شاکله آن‌ها است و با توجه به این نکته می‌توان شاکله را معادل مفهوم شخصیت در روان شناسی دانست (۲). شخصیت به عنوان یک مفهوم پیچیده تطابقی توصیف شده است که در تعامل حوزه‌های مختلف سرشت و منش شکل می‌گیرد (۳). شخصیت تعیین کننده نمایه خاص الگوهای رفتاری فرد تعریف شده است (۴). شخصیت به عنوان یک متغیر روان شناختی که تمامی رفتارهای انسان را در عرصه زندگی شخصیتی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند گاهی در اثر صفات ناسازگارانه، فرد و اطرافیان را با مشکل جدی مواجه سازد (۵). طبق نظر آیسنک، ترکیب شرایط محیطی و عوامل عصب شناختی باعث به وجود آمدن انواع مختلف جرم می‌شود. این فرضیه بر این دلالت دارد که برخی از شخصیت‌ها بیش از برخی دیگر مستعد ارتکاب جرم هستند (۶). آیسنک معتقد است که شخصیت، عامل اصلی رفتار جنایی است و در ایجاد جرم و جنایت نقش تعیین کننده داشته و مطالعه آن‌ها تنها روشی منظم برای تبیین رفتار جنایی است (۶). آیسنک براساس یک سری مطالعات تجربی ثابت کرد که سه عامل اصلی به نام‌های برون‌گرایی - نوروگرایی و پسیکوزگرایی در شخصیت وجود دارد. تیپ برون‌گرا، اجتماعی - تکانشی - خوش بین و هیجانی است و در برابر تغییرات محیطی سریع تغییر می‌کند. نوروگرا، بر اثر فشار نیازمندی‌های درونی و بیرونی، شخصیتی سخت و خشن پیدا می‌کنند و به دشواری با محیط سازگار می‌شوند. رفتار پسیکوزگراها شبیه افراد ضداجتماعی است و به طور کلی ویژگی‌های این افراد عبارتند از سردی - بی‌رحمی - عدم حساسیت اجتماعی - بی‌اعتنایی نسبت به خطرها - تنفراز دیگران و رفتارهای عجیب و عادی. اختلالات شخصیت براساس مشابهت‌های توصیفی به سه خوشه یا زیرمجموعه تقسیم شده‌اند:

گروه الف) شامل شخصیت‌های پارانویا - گسیخته مانند و گسیخته ریخت است و افرادی که چنین شخصیت‌هایی دارند، به نظر، عجیب و نامتعارف جلوه می‌کنند.

گروه ب) شخصیت‌های ضداجتماعی - مرزی - نمایشی و خود دوست‌دار را در بر می‌گیرد. رفتار این گروه مبالغه‌آمیز - هیجانی و متغیر است.

گروه ج) شامل شخصیت‌های اجتنابی - وابسته و وسواسی بی‌اختیار است. افراد مبتلا به این اختلال‌ها اغلب، ترسو و مضطرب به نظر می‌رسند (۷).

از بین اختلالات شخصیت، شخصیت ضداجتماعی بیشتر از سایر

اختلالات مورد مطالعه قرار گرفته است و شامل یک الگوی تکرار شونده و مداوم رفتارهای مجرمانه، ضداجتماعی یا جنایی است که در کودکی یا اوایل نوجوانی شروع می‌شود و تمام جنبه‌های زندگی فرد را در بر می‌گیرد (۸). نقش روانشناسی در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی بلکه از دیدگاه انسانی نیز مورد نظر قرار دادند و به جای این که به قضاوت درباره جرم به عنوان یک عمل مجزا بپردازند، به بررسی تمام شخصیت پرداختند. تحقیقات انجام شده حاکی از ارتباط اختلال شخصیت با انواع جرایم است. احتمال ارتکاب به قتل، وقتی که فرد مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی است، در مردان ۱۰ برابر و در زنان ۵۰ برابر افزایش می‌یابد (۹). در بسیاری از مجرمان، عدم وجود سلامت روانی عامل بسیار مهمی در بروز جرم و جنایت می‌باشد. بسیاری از مردم، ارتباط بین بیماری‌های روانی با جرم را می‌پذیرند و نه تنها بیماران روانی را به علت ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز، بی‌معنا و غیرقابل درک و خطرناک می‌پندارند بلکه، مبادرت به جرایم و خیم را نیز ناشی از بیماری روانی می‌دانند (۱۰). طبق دیدگاه روانکاو فریود خانواده و والدین کودک نقش مهم و بسیار بزرگی، در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند. با وجود اهمیت خانواده به عنوان محیطی مناسب برای ایفای وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آینده، امروز بسیاری از خانواده‌ها دچار آسیب‌هایی نظیر طلاق، اختلافات زناشویی، خودکشی، خشونت خانگی و کودک‌آزاری و کودک فراری شده‌اند در حالی که روابط سالم خانوادگی برای بقا و تحکیم خانواده لازم و ضروری است (۱۱)؛ بنابراین، نابهنجاری خانوادگی از جمله عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک خانواده است. از دیدگاه کودک، والدین مهم‌ترین و ارزنده‌ترین الگوهای جهان هستند. اینان انسان‌هایی هستند که اغلب با حقوق خود آشنا نیستند و نمی‌توانند در برابر انواع بدرفتاری‌ها، در خانواده از خود محافظت کنند. یکی از اهداف خدمات محافظتی کودک، جلوگیری از وقوع سوءاستفاده و غفلت برای کودکان در خطر است (۱۲). کودک‌آزاری مساله‌ای است که تمامی نهادهای جامعه، از خانواده تا ارگان‌های سیاسی و اجتماعی را درگیر می‌کند؛ لذا، بررسی همه جانبه به حل و برخورد با آن کمک شایانی می‌کند. در این راستا، قوانین حقوقی بسیار کارآمد هستند. بسیاری از جامعه‌شناسان و حقوقدانان نقض قوانین را مهم‌ترین عامل مسبب افزایش و عدم مهار کودک‌آزاری در ایران می‌دانند. علت فرار ۱۴٪ از کودکان خیابانی، ضرب و شتم والدین و بستگان است که افزون بر آن ۳۳٪ این گروه، به رفتارهای خشونت‌بار و شرارت‌آمیز روی آورده‌اند (۱۳). در خانواده‌هایی که مرد همسرش را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد، میزان کودک‌آزاری ۱/۵ برابر بیشتر از سایر خانواده‌هاست؛ بنابراین، خشونت خانوادگی نیز به عنوان یکی از عوامل موثر در بروز کودک‌آزاری شناخته می‌شود (۱۴). در موارد زیادی کودک‌آزاری به حدی شدید است که منجر به فرار کودکان از خانه می‌شود (۱۵). بیش از دو میلیون مورد از موارد کودک‌آزاری توسط والدین و افراد قیم

کودک: آزمون در ۲۱ آیتم به شکل گزینه‌ای و بلی و خیر است. این آزمون بر مبنای مقیاس سنجش (استراوس، ۱۹۹۵)، تعاریف مک میلان (۱۹۹۹)، گارباریتو (۱۹۸۶)، پیرل (۱۹۹۴)، کارسون (۲۰۰۰) و تعاریف DSM-IV (انجمن روانپزشکی آمریکا) از آزار، تهیه شده و شامل دو بخش است: بخش اول شامل ۱۱ عبارت است که آزار جسمی، آزار روحی و مسامحه را می‌سنجد و به شکل گزینه‌ای می‌باشد. بخش دوم شامل ۱۰ عبارت است که ۵ عبارت آن به شکل گزینه‌ای و ۵ عبارت دیگر به شکل بلی و خیر می‌باشد و آزار جنسی - مصرف مشروبات الکلی - بی توجهی و غفلت را می‌سنجد. این پرسشنامه توسط محقق ترجمه و پس از اجرای پژوهش توسط آزمون آلفای کرونباخ اعتبار و روایی آن ۰/۸۸ به دست آمد.

۳- مقیاس شخصیتی SCID-11: پرسشنامه شخصیتی SCID-11 یا آنتی سوشیال در مورد ویژگی‌های شخصیتی فرد می‌باشد؛ این که به طور کلی چگونه شخصیتی هستند و در چند سال گذشته چه احساسی داشته یا چگونه رفتار کرده‌اند. این مقیاس، یک مقیاس معتبر جهانی است که توسط انجمن روانپزشکان آمریکا، اعتبار و روایی آن به تایید رسیده است. این مقیاس دارای ۱۵ عبارت بوده و جواب‌ها به صورت بلی و خیر می‌باشد. در صورتی که سوال کاملاً و یا تا حدودی در مورد شخصی صدق کند، دور پاسخ مثبت خط می‌کشد و در صورتی که سوال در مورد او صدق نکند دور پاسخ منفی خط می‌کشد. اگر شخصی متوجه سوال نشود و یا در مورد آن مطمئن نباشد، نباید به آن پاسخ دهد.

بعد از آماده شدن پرسشنامه‌های مورد نظر، با انجام مطالعه مقدماتی، روایی و اعتبار پرسشنامه‌ها تعیین گردید و سپس با مراجعه به زندان، این آزمون‌ها روی آزمودنی‌های مورد نظر اجرا شدند و با استفاده از برنامه نرم افزاری (SPSS18) و روش‌های آماری نظیر آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون پیش‌بینی، نتایج، استخراج و فرضیه‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها

طی این بخش در قالب آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نمودارها و جداول فراوانی درصدی، یافته‌های حاصل از این بررسی‌ها و آزمون‌ها ارایه می‌شود.

با توجه به جدول ۱ که بیان کننده توزیع فراوانی و درصد وضعیت تاهل افراد پاسخگو به آزمون‌ها می‌باشد، ۷۴/۶٪ (۴۴ نفر) از آزمودنی‌ها متاهل و ۲۵/۴٪ (۱۵ نفر) آن‌ها مجرد بودند. جدول شماره ۲ نشان دهنده توزیع فراوانی و درصد فراوانی میزان تحصیلات افراد پاسخگو می‌باشد. طبق داده‌های جدول، ۲۵/۴٪ (۱۵ نفر) از آزمودنی‌ها از نظر میزان تحصیلات در مقطع ابتدایی، ۱۸/۶٪ (۱۱ نفر) در مقطع راهنمایی، ۴۹/۲٪ (۲۹ نفر) در مقطع متوسطه و ۶/۸٪ (۴ نفر) دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. طبق این داده‌ها هرچه میزان شخصیت

صورت می‌گیرد (۱۶). پیشینه کیفری و سوابق مجرمانه‌ی پدر و مادر به ویژه اعتیاد از عوامل خانوادگی مهم در بروز سوء رفتار با کودکان بوده است (۱۷، ۱۸). سطح تحصیلات والدین و سن بالای پدر دارای رابطه معنادار سوء رفتار آن‌ها با کودکانشان بود (۱۹). پیامدهای آزار کودکان را در دو وجه جسمانی و روانی می‌توان بررسی کرد (۲۰). جلوه‌های روانی کودک‌آزاری شامل: اختلالات روانی مانند افسردگی، اختلال سلوک، اختلال شخصیت مرزی، اختلال شخصیت چندگانه، اختلال نقص توجه، رفتارهای ضداجتماعی و بزهکاری، پرخاشگری به خصوص با اعضای خانواده و رفتارهای آسیب به خود و اعتماد به نفس پایین و داشتن دیدگاه منفی نسبت به خود و دیگران از جمله عوارض کودک‌آزاری روحی است (۲۱). با توجه به انواع پیامدهای کودک‌آزاری، دور از انتظار نیست که این کودکان و نوجوانان به دلیل این که در محیطی پرخطر رشد می‌یابند، به رفتارهای بزهکارانه و مجرمانه دست بزنند. از سویی یکی از عوامل مهم در گرایش کودک و نوجوان به رفتارهای بزهکارانه، به وضعیت خانوادگی مربوط می‌شود (۲۲).

مواد و روش‌ها

روش این مطالعه توصیفی، مقطعی، تحلیلی از نوع همبستگی است. کلیه مجرمین دارای رفتارهای جنایی، دستگیر شده شهر کرمانشاه، در طول سال ۱۳۹۰، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که توسط نیروی انتظامی دستگیر شده و برای آن‌ها پرونده تشکیل شده است. حجم نمونه ۵۹ نفر از زندانی‌ها با اقدام به رفتار جنایی می‌باشد که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه‌ای شامل مقیاس شخصیتی آیزنگ [EPQ]- مقیاس کودک‌آزاری و مقیاس شخصیتی SCID-11 یا تیپ شخصیتی آنتی سوشیال (anti social) می‌باشد.

۱- پرسشنامه شخصیتی آیزنگ: که یک پرسشنامه خود ارزیابی شخصیتی، شامل ۹۰ عبارت و برای سنین ۱۶ سال به بالا است و چهار مولفه‌ی برون‌گرایی، روان‌رنجور خویی، روان‌پریش‌گرایی و دروغ‌پردازی را می‌سنجد. این پرسشنامه به عنوان وسیله‌ای برای سنجش تفاوت‌های فردی ساخته شده است. اعتبار پرسشنامه از طریق باز آزمون در فاصله‌ی یک ماه برای افراد عادی در مولفه‌ی برون‌گرایی، روان‌رنجور خویی و دروغ‌پردازی از ۰/۸ تا ۰/۹ و برای روان‌پریش‌گرایی از ۰/۷۱ تا ۰/۸۳ است. شیوه نمره‌گذاری آزمون آیزنگ: برای هر یک از مواد پرسشنامه دو گزینه بلی و خیر وجود دارد. در بعضی ماده‌ها گزینه بلی نمره ۱ و خیر نمره ۰ دارد. در باقی ماده‌ها نمره گزینه‌ها برعکس است. هر یک از مولفه‌های برون‌گرایی - روان‌آزرده‌گرایی - روان‌پریش‌گرایی و دروغ‌گویی به ترتیب ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۲۱ عبارت دارند. برای هر ماده با علامت (+) بلی ۱ نمره و خیر (۰) نمره و برای هر ماده با علامت (-) بلی ۰ و خیر ۱ نمره دارد.

۲- مقیاس سنجش تاکتیک‌های کشمکش بین والد و

جدول ۱ - توزیع فراوانی وضعیت تاهل

فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی	
۱۵	۲۵/۴	۲۵/۴	مجرد
۴۴	۷۴/۶	۱۰۰	متاهل
۵۹	۱۰۰		مجموع

جدول ۲ - توزیع فراوانی میزان تحصیلات

فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی	
۱۵	۲۵/۴	۲۵/۴	ابتدایی
۱۱	۱۸/۶	۴۴/۱	راهنمایی
۲۹	۴۹/۲	۹۳/۲	متوسطه
۴	۶/۸	۱۰۰	دانشگاهی
۵۹	۱۰۰		مجموع

جدول ۳ - توزیع فراوانی وضعیت اقتصادی

فراوانی	درصد	درصد فراوانی تجمعی	
۱	۱/۷	۱/۷	خوب
۲۴	۴۰/۷	۴۲/۴	متوسط
۳۴	۵۶/۶	۱۰۰	ضعیف
۵۹	۱۰۰		مجموع

جدول ۴ - میانگین و انحراف معیار سن افراد

کمینه	بیشینه	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین
۶۰	۲۵	۷۲/۳۴۴	۸/۵۰۵۵	۳۹/۱۵۳۸

جدول ۵ - آزمون همبستگی بین کودک آزاری و تیپ های شخصیتی

تیپ شخصیتی	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
برون گرا	-۰/۳۴۳	۰/۰۶۴
روان آزرده گرا	۰/۳۹۹	۰/۰۱۳
روان گسسته گرا	۰/۴۸۶	۰/۰۲۸
دروغ پرداز	۰/۰۲۶	۰/۸۴۴

ضداجتماعی بالاتر باشد، میزان سواد کمتر خواهد بود. همچنین باسوادان مجرم که به سطوح تحصیلات عالی و دانشگاهی رسیده‌اند، در خانواده‌هایی قرار دارند که به دلیل باسوادی والدین یا ساختار منطقی‌تر خانواده، کودک‌آزاری کمتر رخ داده و شکایت و آزارگری کودکان به ندرت گزارش شده است.

جدول ۳ درصد فراوانی وضعیت اقتصادی افراد آزمودنی را نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های حاصله از جدول، ۱/۷٪ آزمودنی‌ها (۱ نفر) از نظر اقتصادی در وضعیت خوب، ۴۰/۷٪ (۲۴ نفر) در وضعیت متوسط و ۵۶/۶٪ (۳۴ نفر) در وضعیت ضعیف بوده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که مجرمان بیشتر از خانواده‌های ضعیف بوده‌اند؛ به عبارت دیگر فقر، بیکاری و مشکلات مسکن از جمله عواملی هستند که فرد را مستعد ارتکاب جرم می‌کنند.

جدول ۴ میانگین سن افراد آزمودنی را نشان می‌دهد که برابر با ۳۹/۱۵۳ یا تقریباً همان ۳۹ سال است. طبق این داده‌ها، بیشینه سن افراد آزمودنی ۶۰ سال و کمینه سن آن‌ها ۲۵ سال می‌باشد. در عین حال میزان شرارت و در مجموع اختلال شخصیت ضداجتماعی، با افزایش سن، روبه کاهش می‌گذارد.

با توجه به این که در سطح اطمینان ۹۵٪، سطح معنی‌داری این آماره برای تیپ‌های شخصیتی برون‌گرا و دروغ پرداز بیشتر از ۰/۰۵ است؛ لذا، بین این تیپ‌های شخصیتی و کودک‌آزاری رابطه معناداری دیده نمی‌شود. اما در رابطه با تیپ شخصیتی روان آزرده‌گرا و روان گسسته‌گرا، از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، بین تیپ شخصیتی روان گسسته‌گرا و روان آزرده‌گرا با کودک‌آزاری رابطه معناداری وجود دارد (جدول ۵).

در خصوص بررسی وجود رابطه معنادار بین کودک‌آزاری و شخصیت ضداجتماعی SCID-II، سطح معنی‌داری در این آماره ۰/۰۰۱ است و با توجه به این که در سطح اطمینان ۹۵٪ کمتر از ۰/۰۵ است و از آن جا که مقدار آماره پیرسون مثبت است، لذا بین این دو متغیر رابطه مستقیم برقرار است (جدول ۶).

در مورد بررسی وجود رابطه بین شخصیت ضداجتماعی و تیپ‌های شخصیتی، با توجه به این که در سطح اطمینان ۹۵٪، سطح معنی‌داری این آماره برای تیپ‌های شخصیتی دروغ پرداز بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا بین شخصیت ضداجتماعی و دروغ پرداز، رابطه معناداری دیده نمی‌شود و فرضیه موردنظر رد می‌گردد. اما، در رابطه با شخصیت ضداجتماعی و تیپ شخصیتی برون‌گرا، روان آزرده‌گرا و روان گسسته‌گرا، از آنجا که سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین تیپ شخصیتی برون‌گرا، روان گسسته‌گرا و روان آزرده‌گرا با شخصیت ضداجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (جدول ۷).

با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون t برای مقدار ثابت، $\text{sig} = 0.630$ بیشتر از مقدار $\alpha = 0.05$ می‌باشد، می‌توان گفت مقدار ثابت در مدل تاثیر ندارد. همچنین با توجه به سطح معنی‌داری

همکاران نشان داد که استرس اولیه زندگی منجر به حساسیت دائمی محور هیپوتالاموس، هیپوفیز، آدرنال ثبت به استرس های خفیف در طول زندگی می شود. این مساله احتمالاً به علت ترشح فاکتور آزاد کننده کورتیکوتروپین در نتیجه کودک آزاری است (۲۴). با توجه به یافته های پژوهش جرم و جنایت یا به عبارت بهتر بیماری های اجتماعی مانند بیماری های جسمی و مسری هستند و اگر قبل از ایجاد انگیزه وقوع جرم به فکر اصلاح و از بین بردن علل ارتکاب جرم نیفتند ممکن است به دیگران نیز سرایت کند که عواقب سنگین و غیرقابل جبرانی در پی دارد به صورتی که بر اثر ازدیاد مجرم و جنایت قدرت کنترل در جامعه هر روز ضعیف تر و بالطبع بر مقدار مجرمین افزوده می گردد (۲۵). همچنین براساس یافته های پژوهشی توجه خاص به زندانیان مبتلا به اختلال شخصیت ضداجتماعی از اهمیت برخوردار است. به عقیده رایس^۱ (۲۰) برخی از مجرمان در معرض خطر بالاتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند و احتمال ارتکاب به رفتارهای خشونت آمیز در مجرمان ضداجتماعی پس از آزادی از زندان بسیار زیاد می باشد؛ بنابراین، لزوم معرفی این افراد به مراکز مراقبت بعد از خروج از زندان ها جهت ارائه خدمات روان درمانی و برگزاری جلسات گروه درمانی در درمان اختلال شخصیت ضداجتماعی، احساس می شود (۲۰).

نتیجه گیری

طبق نتایج به دست آمده از این پژوهش بین شخصیت ضداجتماعی SCID-II و تیپ شخصیتی EPQ رابطه معناداری دیده نمی شود. در نتیجه بین این دو متغیر رابطه مستقیم برقرار است یعنی هرچه میزان EPQ بالاتر باشد، میزان شخصیت ضداجتماعی نیز افزایش می یابد. محیط خانوادگی یکی از مهمترین الگوهای ساختاری موثر در یادگیری رفتار از جمله بروز پرخاشگری و کودک آزاری است. محیط خانوادگی ناسازگار با مشاخره دایمی پدر، مادر و اعضای خانواده آثار سویی در رفتار کودک باقی می گذارد. این آثار در سنین بلوغ و بزرگسالی به صورت عصیان و پرخاشگری، سرکشی از مقررات و قوانین اجتماعی در مردان و یا بی تفاوتی، انزوا و گوشه گیری در زنان نمایان شده و منجر به اعمال بزهکارانه می گردد. کودکانی که از محبت خانوادگی محرومند و خود را از خانواده و اجتماع طرد شده و منزوی تلقی می کنند، به آسانی هنجارها و ارزش های جامعه را نقض می کنند (۲۶). طبق نتایج حاصله بین کودک آزاری و تیپ شخصیتی ضداجتماعی SCID-II رابطه معناداری دیده می شود. با توجه به تأیید فرضیه ذکر

جدول ۶ - آزمون همبستگی بین کودک آزاری و شخصیت ضداجتماعی

شخصیت ضداجتماعی	
همبستگی پیرسون	۰/۴۳۲
کودک آزاری	۰/۰۰۱
سطح معنی داری	۵۹
تعداد آزمودنی ها	

جدول ۷ - آزمون همبستگی بین شخصیت ضداجتماعی و تیپ های شخصیتی

تیپ های شخصیتی	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
شخصیت ضداجتماعی		
برون گرا	-۰/۲۶۵	۰/۰۴۲
روان آزاده گرا	۰/۴۶۵	۰/۰۲۱
روان گسسته گرا	۰/۳۹۷	۰/۰۳۵
دروغ پرداز	۰/۰۱۵	۰/۹۰۸

آزمون t برای متغیر مستقل کودک آزاری، که کمتر از مقدار $\alpha = 0.05$ می باشد، می توان نتیجه گرفت که با متغیر ثابت رابطه دارد (جدول ۸).

بحث

بررسی های بسیاری نشان داده اند که بزهکاران غالباً دارای مشکلات جدی شخصیتی هستند. لذا، ریشه مشکلات و معضلات اجتماعی که منجر به ارتکاب جرم می شوند، به طور مستقیم و غیرمستقیم ارتباط نزدیک با شخصیت انسان دارد (۲۳). طبق دیدگاه روان کاوی فروید، خانواده و والدین کودک نقش مهم و بسیار بزرگی در ساختن شخصیت معتدل و استوار انسان دارند. با وجود اهمیت خانواده به عنوان محیطی مناسب برای ایفای وظیفه جامعه پذیری و تربیت نسل های آینده، امروزه بسیاری از خانواده ها دچار آسیب هایی نظیر طلاق، خشونت خانگی، کودک آزاری، کودک فراری و ... شده اند که روابط سالم خانوادگی را که برای بقا و تحکیم خانواده لازم و ضروری است، متزلزل ساخته و در مواردی از بین می برد (۱۲). تحقیق هیم و

جدول ۸ - جدول رگرسیون پیش بینی شخصیت ضداجتماعی توسط کودک آزاری

مقدار ثابت	ضریب شیب	خطای استاندارد	ضریب بتا	T	سطح معنی داری
۰/۵۰۸	۱/۰۵			۰/۴۸۴	۰/۶۳
۰/۱۴۸	۰/۰۴۱		۰/۴۳۲	۳/۶۲۱	۰/۰۰۱

شده، بین این متغیرها رابطه مستقیم وجود دارد یعنی هر چه میزان شخصیت ضداجتماعی بالاتر باشد میزان کودک آزاری نیز افزایش می یابد. همچنین با توجه به ارتباط معنی دار بین کودک آزاری و تیپ شخصیتی ضداجتماعی، کودک آزاری می تواند شخصیت ضداجتماعی را پیش بینی نماید.

در نتیجه می توان گفت که روابط معیوب و نامطلوب خانواده، به کارگیری شیوه های نادرست تربیتی مانند طرد و عدم مراقبت و مواظبت صحیح، ضرب و شتم، محرومیت از محبت، کودک آزاری و خشونت علیه فرزندان باعث احساس ناامنی و اضطراب، خودپنداره منفی و کینه توزی نسبت به دیگران، انجام رفتارهای بزهکارانه و اعمال ضداجتماعی و در نهایت ارتکاب جرم می شود؛ لذا، باید به تجربه های منفی کودکان و ارتباط آن ها با رفتارهای ضداجتماعی در بزرگسالی دقت شود. دل بستگی نوجوانان به خانواده و مدرسه یکی از متغیرهای پیشگیری کننده از رفتارهای انحرافی نوجوانان می باشد.

والدین و مربیان مدرسه بایستی در ایجاد روابط صمیمی و مناسب با نوجوانان بکوشند. براساس بررسی های انجام شده بین کودک آزاری و تیپ شخصیتی EPQ رابطه معناداری دیده نمی شود و بین این دو

متغیر رابطه مستقیم برقرار است یعنی هر چه EPQ بالاتر باشد میزان کودک آزاری نیز افزایش می یابد. با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش؛ بین تیپ شخصیتی ضداجتماعی و برون گرایی رابطه معناداری دیده می شود به همین دلیل بین دو متغیر رابطه مستقیم وجود دارد یعنی هر چه میزان شخصیت ضداجتماعی بالاتر باشد میزان برون گرایی نیز افزایش می یابد. همچنین می توان از بررسی های حاصله نتیجه گرفت که فقر نیز می تواند یکی از موثرترین عوامل در بروز جرم باشد. به هنگامی که فرد در شرایط سوء تغذیه، عدم دسترسی به امکانات آموزشی، عدم وجود سرپناه مناسب برای زندگی و شرایطی مشابه قرار گیرد، به ناچار گزینه ی فعالیت های غیرقانونی (ارتکاب جرم) را انتخاب می نماید.

با توجه به یافته های حاصل از این پژوهش می توان نتیجه گرفت که آموزش مهارت های اجتماعی به بزهکاران (همکاری، احترام متقابل به حقوق دیگران، همدلی و تفاهم) و تقویت رفتارهای اجتماع پسند و اجتماع مدار می تواند نوجوانان را به عدم ارتکاب جرم اخلاقی و اجتماعی ترغیب کند. همچنین توان امنیتی و قضایی دارای تأثیر مثبتی بر کاهش وقوع جرایم است.

References

- 1- Raymond, Translate by M. Kaynia, Introduction of Criminology, Tehran Motarjem Publication, 1370. (1988) [Persian]
- 2- Holy Qoran, Asrs Sura, Verse 84. [Persian]
- 3- Cloninger, C. R., Svrakic, D. M., & Przybeck, T. R. A Psychobiological model of temperament and character. Archives of General Psychiatry, (1993) 50, 975-990.
- 4- Sotodeh H, Mirzaei B, Pazand. A Criminal Psychology, Tehran, Avai Nour Publication 1381. [Persian]
- 5- Irani SS. Comparison of personality characteristics, personality disorders and coping styles in addicted patients and normal group [dissertation]. Faculty of psychology and educational sciences of Tabriz Unive; 2004. [Persian]
- 6- Stephan, Z. L. & Chirs J. J. Eysenck theory of crime revisited: factors or primary scales? British Psychological Society. 2004; 9: 135-52.
- 7- Psychiatric Society of American, Diagnostic Guide and Statistic of revised meutul disorder Translation by Nikkho, M , Avadis, Yans, Tehran, Sokhan Publication; 2000. [Persian]
- 8- Cloninger, C. R., & Svrakic, D. M. Personality disorders. In B. J. Sadock. V. A. Sadock (Eds.), Comprehensive textbook of psychiatry; 2005, 8th ed, 2063-105.
- 9- Hare ,R. D. A research scale for the assessment of psychopathy in criminal populations. Personality and Individual differences; 1970.
- 10-Eronen, M., Hakola, P., & Tiihonen, J. Mental disorders and homicidal behavior in Finland. Genetic Psychiatry. 1996; 53(6): 497-501.
- 11-Dudsetan, P. Crimanal Psychology. Tehran, Samt Publication, 1382. [Persian]
- 12-Fotouhi Bonab R. Considering the educational effect of couple therapy functions in self-knowledge, religious orientation and marital adjustment of incompatible couples [dissertation]. Faculty of psychology.
- 13-Heather Y. Swanstona, Patrick N. Parkinsonb, R. Kim Oatesc, Brian I. O'Tooled, Angela M. Plunkette, Sandra Shrimptone. Further abuse of sexually abuse children; 2001.
- 14-Saleh,A. Comparison of Street dormitory Children Of Tehran-Collections of pupers of 2th

- National Conference of Social Damages in Iran. Sociological assaiation of Iran; 1383. [Persian]
- 15-Lemmey D, Mc Farlane J, Willson P. Malecha A. Intimate partner violence. Mothers› perspectives of effects on their children. MCN Am J Matern Child Nurs, 2001; 26(2): 98-103.
- 16-Jangholi, M. Look at the Status of Street Children in Iran and its reasons. Collections of second national conference of Social Damagesin Iran. Sociological assaration of Iran, Agah Publication; 1383. [Persian]
- 17-Carson V, editor. Mental health nursing. 2nd Edition. Philadelphia, Saunders; 2000: 995.
- 18-Asdolahi, A. Baratvand, M. Study of relation between depress and Exercise (sport) in girls of Ahvaz Juvenile instiution training Center of Zonel 3, Jails of country; 1384. [Persian]
- 19-Baratvand, M. Study and comparison of Said Khalaf marginalizad area with Kiunpars predominautly afflueut, Presented at Social Pathology and marginalizd conference of Tehran City; 1384. [Persian]
- 20-Rice RM. Ludwig S. Child abuse medical diagnosis and management. 2nd ed, Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkings; 2000: 344.
- 21-Madani, S. Child abuse in Iran tehran, Aknon Publication; 1383. [Persian]
- 22-Christopher J. editor. Child abuse and neglect: A clinicians handbook. London, Churchill Livingstone; 2000: 88.
- 23-Hasani, J. Rahmanian, M. Structure of family and delinquency; 1383. [Persian]
- 24-Heim C, Newport DJ, Heit S. Graham YP, Wilcox M. Bonsall R, et al. Pituitary-adrenal and autonomic response to stress in women after sexual and physical abuse in childhood. JAMA 2000; 284(5): 592-97.
- 25-Shikhavandi, D. Sociology of deviations, Gonabad, Marandiz Publication; 1379. [Persian]
- 26-Paul hanry, M and Etul Growth and personality of child (Yasae, M) 12th Print. 2th ed, Tehran, Markaz Publication; 1382. [Persian]

Archive of SID

The Relationship Between Child Abuser Parent and Personality Characteristics with Criminal Behavior Among Prisoners in Kermanshah

Hojjatollah Tahmasbyan* - Javad Jafari** - Bahman Roshani***† - Sirius Chaghazardi****

Seyyed Ali Hosseini***** - Nadia Amjadian*****

*MSc in Psychology, Islamic Azad University of Kermanshah

**Legal & Criminal Department, Islamic Azad University of Kermanshah

***MD, Anesthetist, Assistant Professor, Kermanshah University of Medical Sciences

****MD, General Practitioner

*****BSc in Biostatistics

*****MSc Student in Law

Abstract

Background: Criminal behavior that is synonym with crime and misdemeanor is a voluntary action and the person who does it, knows himself/herself authorized to commit in the given situation. It is a behavior inconsistent with common values and norms. Personality, as a psychological variable that can affect all human behaviors in personality and social life, sometimes makes a person and those around him facing a serious problem as a result of maladaptive traits. Among personality disorders, antisocial personality disorder has been studied more than others; a repetitive and persistent pattern of criminal behavior, which is antisocial or criminal and begins in childhood or early adolescence which encompasses all aspects of life. This study investigated the relationship between personality characteristics and patterns of parents child abuse with criminal mischief and criminal behavior among prisoners. Moreover, social and environmental factors in criminal behavior were investigated.

Methods: This research has correlation methods. All offenders have been arrested for their criminal behavior and kept in a prison in Kermanshah in 1390 were the statistical community. In a random sampling, 59 subjects were selected and Eysenck personality test EPQ, personality scale SCID-II and the scale of child abuse between parent and child conflict tactics measure were implemented. Data analysis was performed by SPSS-18 software. Statistical methods were Pearson's correlation and regression.

Findings: Men (100 percent) were the perpetrators of this study. 93.2% had not academic education, 74.6% were married and economically 56.6% were below the average. The results of relationship between child abuse and antisocial personality had a significant relationship so, child abuse could predict antisocial personality. There was a relationship between EPQ personality type with antisocial personality.

Conclusion: Based on results, it is found that defective and poor family relations, dishonest tactics traits, such as exclusion and lack of proper care, beatings, deprivation of love, child abuse and violence could cause sense of insecurity and anxiety, negative self-concept and malice toward others and criminal behavior. That is anti-social behavior and crime eventually take place. Thus, we should be careful to negative experiences in childhood and their association with antisocial behavior and crime in adulthood. Lack of academic education and poverty can also be effective factors in performance of a crime. Personality is also a major factor in a criminal behavior and has a decisive role in performance of a crime.

Keywords: Personality, Child Abuse, Pattern, Criminal, Evil, Prison.

Received: 9 Apr 2012

Accepted: 10 Apr 2013

†Corresponce: Kermanshah University of Medical Sciences